

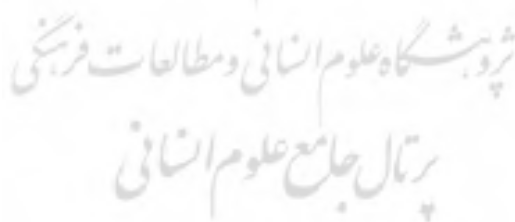
An Investigation of the Lifestyle in Parvin Etesami's Poetical Works with Emphasis on the Islamic Iranian Culture

Seyedehzahra Nozen(ph.D)¹

Abstract

Parvin Etesami, a poetess of the era after the constitutional movement, has played an effective role in informing and developing Iranian society. The Constitutional Revolution, by creating political and social changes in Iran, provided a suitable ground for the activity and presence of the silent body of society. It was so that the leader of the revolution, Ayatollah Khamenei, also considered her as a prominent poet. An educated lady who, despite the high rank of her poems, some have tried to cover her name and distinguished position. The main purpose of this study is to explore the lifestyle based on the original Iranian-Islamic values in the poems of Parvin Etesami. This research is one of the qualitative researches and the method of collecting findings is by referring to documents, books and articles and the method of analyzing the findings is qualitative content analysis. The results of the study reveal the tangible and lasting effect of Parvin Etesami's ideas on the awakening of contemporary women and their encouragement to reconsider values based on the original Iranian and Islamic lifestyle and culture.

Keywords: *Parvin Etesami, Lifestyle, Islamic-Iranian Culture, Constitutional Era, Contemporary Women*



1. Assistant Professor, Department of Language and Literature, Amin Police Science University.

بررسی سبک زندگی در دیوان اشعار پروین اعتصامی با تاکید بر

فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی

دکتر سیده زهرا نوزن*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده

پروین اعتصامی، شاعره بعد از مشروطیت نقش موثری در آگاه سازی و پیشرفت جامعه ایرانی داشته است. انقلاب مشروطیت، با ایجاد تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران، زمینه مناسبی برای فعالیت و حضور پیکره مسکوت جامعه فراهم نمود. چنین است که رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز او را شاعری برجسته می داند. بانوی فرهیخته ای که با وجود مرتبه بالای شعرهای او، عده ای سعی در پوشاندن نام و جایگاه با ارزش وی داشته اند. هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین سبک زندگی بر اساس ارزش های اصیل ایرانی اسلامی در اشعار پروین اعتصامی است. این تحقیق از زمره تحقیقات کیفی و شیوه گردآوری یافته ها مراجعه به اسناد و کتاب ها و مقالات و شیوه تجزیه و تحلیل یافته ها تحلیل محتوای کیفی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده تاثیر ملموس و ماندگار اندیشه های پروین اعتصامی بر بیداری زنان معاصر و ترغیب آنان به بازنگری در ارزش ها بر مبنای سبک زندگی و فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی است.

کلیدواژه ها: پروین اعتصامی، سبک زندگی، فرهنگ اسلامی- ایرانی، دوران مشروطیت، زنان معاصر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ارزش های اصیل زندگی در هر جامعه ای ریشه در تاریخ و فرهنگ آن جامعه دارد. سعادت هر ملتی، بها دادن و پرداختن به مولفه های این ارزشها است. شعر در هر دوره و زمان و به هر زبان می تواند، آئینه ای باشد که اصالت یک جامعه را پدیدار می سازد. شاعران بزرگ و نامور در تاریخ حیات بشر بر این مهم کوشیده اند و برای به تصویر کشیدن فرهنگ غنی جامعه خود زحمات بسیاری را متحمل گشته اند. با وجود ناملازمات تحمیل شده بر شاعران متعهد، هر شاعری که سعی کند به بقا و ترویج ارزش های اصیل فرهنگ جامعه خود بپردازد، نام و یادش همواره زیانزد افراد فرهیخته می گردد و تداوم یاد و نام چنین شاعرانی شاهدی بر زنده ماندن هویت یک ملت است.

آموزه های دینی و ایمان و غیرت و تعهد در عمل به این آموزه ها و سبک زندگی دینی، راه را هموار می کند و از محدودیت ها فرصتی می سازد تا ارزش های اصیل یک ملت به بقا و دوام خود ادامه دهند و برای نسل های حاضر و آینده مثال زدنی گردند. رخشنده اعتصامی که بعدها نام ادبی و شاعرانه خود را به پروین تغییر داد، زنی است که با قلم توانمندش و با اتکا به ارزش های اصیل و مورد قبول یک زن ایرانی و مسلمان، راه و رسم آزادی و ایثار را به زنان و مردان سرزمینش تعلیم داد. سبک زندگی ایرانی اسلامی، گونه ای خاص از زندگی است که به دلیل عناصر تشکیل دهنده آن از سایر سبک های زندگی متمایز می باشد. این نوع نگرش به زندگی ریشه در ارزش ها و فرهنگ اصیل این مرز و بوم دارد و پروین ضمن توجه به بیداری و آگاهی جامعه خود، قدرشناس فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی بود و بر غنای این فرهنگ افزود. اگرچه شهادت تاریخ، عده ای درصدد کم ارزش جلوه دادن شعرهایش بوده اند و به ناحق آنها را به ملک الشعراء بهار نسبت داده اند، همین اقدام خود گواهی بر قدرت و توانمندی بیان شاعرانه پروین است. او شاعری است که گذر زمان نه تنها از ارزش سروده هایش نمی کاهد بلکه آئینه ای تمام نما برای همه زمان ها است. شعر پروین بیانگر تفکرات زنان و مردانی است که تراوش ذهنی شان ریشه در تعالیم دینی و ارزش های اصیل ایرانی اسلامی دارد.

آموزه های دینی و اخلاقی، آشنایی پروین با قرآن و زبان عربی، ایمان سرشار و جسارت و آزادگی موجود در آثار این شاعره متعهد ضرورت چنین تحقیقی را ایجاب می نماید. پروین اعتصامی در روابط انسانی و اسلامی خود معیارهای اصیل ایرانی را زنده نگه داشته و جایگاه متفاوتی را برای زنان رقم زده است. دردنیای متمدن امروز بررسی آثار و ارزش های چنین افراد فرهیخته و ماندگاری می تواند برای جوانان این مرز و بوم تکیه گاه محکمی باشد. موارد ذیل از جمله فواید تحقیق حاضر است:

۱- درک و گسترش ادبیات نظری در حوزه مشروطیت؛

۲- احیا و ترویج فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی؛

۳- معرفی اسوه ها و الگوهای زنان اصیل و مسلمان سخنور به نسل جوان و آینده ساز.

سوال تحقیق

مولفه های سبک زندگی اصیل ایرانی اسلامی در آثار پروین کدامند و از کجا نشات می گیرند؟

روش تحقیق و یافته های پژوهش:

این مقاله از نوع تحقیقات کیفی است که محقق با مراجعه به کتب مذهبی و تاریخی، دیوان اشعار، کتابها و مجموعه مقالات مرتبط و با استفاده از مولفه های سبک زندگی اصیل ایرانی و اسلامی، اطلاعات لازم را جمع آوری می نماید. یافته های پژوهش با بررسی دقیق دیوان اشعار پروین اعتصامی مورد واکاوی قرار می گیرد. دیوان اشعار ایشان برای احصای یازده مولفه: توجه به قرآن و عرفان، هم نشینی با بزرگان ادب و فرهنگ، قناعت گنج شایگان، گذرا بودن دنیا و توشه گیری برای آخرت، پرهیز از سکوت در برابر ستم، دوری از غرور و خودستایی، پرهیز از ریا و دورویی، پرهیز از دنیا دوستی، دوری از تن آسایی، توجه به تعلیم و تربیت و خدادوستی مورد

بررسی قرار گرفت. سپس برای هر یک از این مولفه ها مصداق هایی از دیوان اشعار شاعر استخراج و با تحلیل یافته ها مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

مبانی نظری

سبک زندگی مردمان هر جامعه ای با فرهنگ و ارزش های حاکم بر آن جامعه ارتباط مستقیم دارد. سبک زندگی بیانگر آداب و رسوم، هنجارها و ارزش هایی است که انسان زندگی خود را بر اساس آن ها بنیان می نهد. یکی از راهکارهای هموار سازی مسیر تربیت و رهنمون شدن انسان به سوی کمال، الگوگیری از انسان های فرهیخته است. (کریمی فرد، ۱۳۹۳) در تعالیم اسلامی، محور تمامی آموزه ها اعتقاد به توحید است که اخلاقیات نیز بر مدار آن دور می زند، بنابراین سبک زندگی اسلامی، توحید مدار است. اصول عقاید و اخلاق اسلامی پشتوانه های محکمی برای سبک زندگی اسلامی هستند. تحول سبک زندگی با رویکرد اسلامی مبتنی بر فعال سازی معنویات در ظاهر و باطن زندگی است (فیضی، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

"قل ان هدی الله هو الهدی و امرنا لنسلم لرب العالمین"؛ بگو در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. (انعام: ۱۷) اندیشمندان مختلف معانی متفاوتی برای اصطلاح "سبک زندگی" بیان نموده اند و اختلاف آنان در تعریف "سبک زندگی" به تفاوت برداشت و درک آنان از واژه زندگی برمی گردد. در واقع تعریف هر کس از "سبک زندگی" به تعریف او از زندگی مربوط می شود. بر این اساس "سبک زندگی" ممکن است گاه به امور درونی و گاه به امور بیرونی و گاه به جمع هر دو اطلاق شود. (عبدالرحیمی، ۱۳۹۶: ۳۵) برداشت گیدنز^۱ از مقوله سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از واکنش ها که افراد آن ها را انتخاب کرده و کنش های آن ها در زندگی روزمره به واسطه آن ها هدایت می شود (خوشنویس، ۱۳۸۹). با اضافه شدن قید "اسلامی" به

1. Giddens

اصطلاح سبک زندگی، منظور شیوه ای متمایز از زندگی است که اصول پنهان و آشکار خود را از دین اسلام گرفته باشد و منطبق با آموزه ها و دستورهای اسلامی باشد. به دلیل وجود عناصر خاص سبک زندگی اسلامی، از سایر سبک های زندگی قابل تمایز و در مجموع مورد تایید و پذیرش قرآن کریم و الگوهایی است که قرآن معرفی کرده است. (عبدالرحیمی، ۱۳۹۶: ۴۳) مثلث "نیاز، دین، سبک زندگی" حاصل تعامل دو سویه این سه مقوله با یک دیگر است. دین تشکیل دهنده سبک زندگی است و سبک زندگی فرد نیز در تقویت یا تضعیف دین داری موثر است. از سوی دیگر، دین ترسیم کننده جهت نیازهای مادی و معنوی انسان است و نیازها عاملی برای توجه به دین داری و گسترش آن است. سبک زندگی انتخابی هر کس در راستای تامین نیازهای او و در عین حال، حاصل نیازها و کمبودهای است که در زندگی به آن ها نیاز دارد. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۱) سبک زندگی اسلامی، به مجموعه ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که بر اساس آن، معیار رفتار انسان باید مبتنی بر اسلام و آموزه های اسلامی باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش های اسلامی در زندگی از مهم ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. در واقع، در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر آموزه های اسلام و رهنمودهای قرآن باشد. در این سبک از زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می داند و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می بیند. (افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۴) اضافه شدن قید "ایرانی" به اصطلاح "سبک زندگی اسلامی" باز هم شرایط متمایزی را ایجاد می کند. به این دلیل که فرهنگ ملی هر قومی در نحوه زندگی و شیوه دین داری آنان موثر است. ورود اسلام به سرزمین ایران- با آن تمدن کهن و غنای فرهنگی- موجب شکوفایی شگفت آوری در فرهنگ و علم و هنر ایرانی شد، به گونه ای که سرزمین ایران ستاره های درخشانی را به جامعه بشری تقدیم کرد که در تاریخ جهان کم نظیر هستند. (عبدالرحیمی، ۱۳۹۶: ۴۴) اساس تربیت دینی بر محور برانگیختن حب و علاقه انسان در ایجاد وابستگی و تعلق خاطر در او شکل می گیرد. ایجاد پرورش حس تعلق، اشتیاق و عشق به خدا و در نتیجه به خلق او و نفرت و انزجار از شیطان و مظاهر آن وظیفه اصلی تربیت دینی

محسوب می شود. (گیسلر^۱، ۱۳۷۵: ۲۵-۳۰)

پروین زن را مایه انس و مهر می داند:

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
(اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۷۸)

او نه تنها دنیای مردسالار را باور ندارد بلکه زن را یار و یاور مرد می داند و ثروت حقیقی زن را
مهریه فرزندان می بیند:

توان و توشه ره مرد چیست یاری زن حطام و ثروت زن چیست مهر فرزندان (اعتصامی،
۱۳۵۵: ۲۷۸)

زن در دیدگاه پروین از مرد برتر یا فرودست نیست بلکه دلیل ذلت و سیه روزی زنان در ضعف
تعلیم و تربیت است. آگاهی بخشی به زنان در مورد دنیای پیرامونشان، اینکه از کجا آمده اند و به
کجا می روند در مهم ترین شعری که او در مورد زنان سرود با عنوان "زن در ایران" کاملاً مشهود
است. او شاعری توانمند است که کاملاً از حضور نیمی از پیکره جامعه خویش آگاه است و سعادت
و خوشبختی را در تعلیم و تربیت هر دو پیکره می داند. پروین در اشعارش فارغ از تخیل، جامعه ای
را به تصویر می کشد که در استبداد و ظلم و نابسامانی غرق شده است. پروین در اشعارش چون "ستم
اغیا"، "دکان ریا"، "دیوانه و زنجیر"، غیر مستقیم به نقد شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی زمانه
می پردازد. او نشان می دهد که از ظلم زمان و شرایط نابهنجار جامعه آگاه است. او از فرهنگ سایر
ملت ها نیز بهره برده و سنگ بنایی ارزشمند برای زنان سرزمینش به میراث می گذارد. او زن را آینده
ساز و توسعه بخش حیات و دوام و قوام یک ملت می بیند:

همیشه دختر امروز، مادر فرداست ز مادر است مسیر بزرگی پسران (اعتصامی،
۱۳۵۵: ۲۷۸)

پروین آئینه تمام نمای یک زن اصیل ایرانی و متعهد به اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه، درد

۱. Gisler

جامعه خویش را با تمام وجودش درک می کند و در قالب پند و اندرز با زبان شیرین شعر خواستار تغییر نگرش جامعه با تکیه بر دین و فرهنگ اسلامی است. دزد در شعر "دزد و قاضی"، چه زیبا قاضی را مورد بازجویی و خطاب خود قرار می دهد و عمق فاجعه در زمامداری دوران زندگی پروین را یادآور می شود و نشان می دهد که چه کسی مستحق محاکمه و مجازات است. او در این ابیات درد روزگار را مطرح می سازد و کج روی و انحرافات را در ترازوی عدالت قرار می دهد و عدالت واقعی را طلب می کند:

من ز دیوار و تو از در می بری	تو قلم بر حکم داور می بری
خود گرفتی خانه از دست یتیم	دست من بستی برای یک گلیم
تو بدیدی، کج نکردی راه را	من به راه خود ندیدم چاه را
دزدی حکام روز روشن است (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۹۱)	دزد اگر شب گرم یغما کردن است

پیشینه تحقیق

در مورد پردازش به شخصیت پروین اعتصامی، مقالات، کتاب ها، پایان نامه ها و طرح های تحقیقاتی فراوانی تدوین شده است. ملک الشعراء بهار مقدمه جامع و کاملی در ابتدای دیوان او نوشته است. محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب "چراغ و آینه"، کریم عسکری در کتاب "پروین اعتصامی بزرگ ترین شاعره پارسی زبان"، محمد جواد شریعت در کتاب "پروین، ستاره آسمان ادب ایران"، مجموعه مقالات کنگره نکو داشت صدمین سال تولد پروین اعتصامی، همگی گواه جایگاه بسیار قوی و با ارزش پروین در ادبیات فارسی است. از این رو نگارنده در این مقاله تنها به تعدادی از مقالات و کتاب ها که به مولفه های اصیل ایرانی و اسلامی در دیوان پروین می پردازند اشاره می نماید.

موید (۱۳۶۸) در مقاله ای با عنوان "جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی" می نویسد: پروین اعتصامی در یکی از لحظه های بحرانی تاریخ ایران، یعنی اندکی بعد از به ثمر نشستن مشروطیت

در خانواده ای با فرهنگ و پایبند به سنت های دیرین تولد و پرورش یافت. وی یکی از آخرین حلقه های سلسله دراز شعر سنتی فارسی است که با چهره افسانه ای رودکی (متوفی در ۹۴۰/۳۲۹) آغاز می شود و اکنون پس از هزار و صد سال در مواجهه با هجوم نیازهای زندگی امروزی در خطر دگرگونی و زوال است و برای ادامه هستی در تکاپو است. انقلاب مشروطه که جامعه ایران را از توده های بی جنب و جوش و ستم پذیر به ملتی پویا و بیدار و مطالبه گر مبدل می ساخت. در عین حال مشروطیت نهضتی زاینده نیز بود که در ادبیات، سنتهای کهن را غربال می کرد، بعضی را بی ارزش می شمرد و بعضی دیگر را پایدار می کرد و با معیارهای جدید آزادی و حرمت انسانی و شرافت فرهنگی هماهنگ می نمود.

پناهی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان "اندیشه فلسفی در شعر پروین اعتصامی" می نویسد: پروین به تبلیغ مکتب های فلسفی صرف نپرداخته است. تفکر فلسفی او، که با زبان هنری اش آمیخته شده، ناظر بر حکمت اسلامی است. هنر پروین این است که عرفان، اخلاق، شریعت و تفکر فلسفی او به بینشی هنری و نگرشی آیه ای و تسبیحی به جهان منجر شده است. به عبارت دیگر تفکر فلسفی پروین به شکلی هنری تراوش کرده و خود او نیز دیوان اش را با همین عنوان به پدرش اهدا کرده است.

شعبانی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان "تحلیل بنیادین شعر و شخصیت پروین" اینچنین می نویسد: بی گمان شاخص ترین و در عین حال جامع ترین ویژگی شعر پروین، سادگی و پختگی آن است که اولی را خود برگزیده و دومی را از پیشینیان آموخته و این دو را به نحوی استادانه و غیر قابل انفکاک به هم درآمیخته است. همین زبان پخته و بیان سخنه و استحکام الفاظ و عبارات که حاصل تسلط بی چون و چرای او بر ادبیات کهن فارسی است، باعث گردیده تا در عین سادگی و بی پیرایگی تحسین هر خواننده ای را برانگیزد.

محسنی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان "تحلیل شعر پروین اعتصامی بر اساس نظریه زیبا شناختی" بیان می کند که پروین اعتصامی یکی از برجسته ترین شاعران تعلیمی عصر رضاشاه شمرد می شود. او به عنوان شاعری منتقد و نه سرکش شناخته می شود. ایشان به علت گرایش های خاص روانی-

شخصیتی، بر آن بود که با ارزش ها و اندیشه های حکمی- اخلاقی، شخصیت مردم را به سمتی سوق دهد که ضمن مقاومت در برابر بی رسمی های اجتماعی به فکر رستگاری اخروی نیز باشند. از این رو الگوهای اخلاقی مورد توجه پروین بازتابی از اوضاع اجتماعی عصر اوست.

لویمی و بهامیریان قهفرخی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان "آموزه های قرآنی در آینه شعر پروین اعتصامی" بیان می کنند که آنچه مسلم است اینکه از میان شاعران زن ایرانی، پروین مشهورترین بانوی ادب پارسی است، به گونه ای که ایشان حتی در جهان نیز زبانزد عالمیان است. شعر پروین در زمره ادبیات تعلیمی است و راز ماندگاری نام پروین اعتصامی را باید در اعتقاد شاعر به قرآن مجید و توصیه های عملی دین و زندگی معنوی و حیات عرفانی او جستجو کرد به گونه ای که این صفت برتر، دیوان او را به یک رساله اخلاقی استوار تبدیل می نماید و شعرش را مکتب خانه ای برای ادب آموزی و تعلیم و تربیت راستین نشان می دهد.

شریف پور (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان "بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه های اخلاقی وی" تأکید می کند که آثار اخلاقی، بخشی از ادبیات تعلیمی محسوب می شوند که هدف آن ها آموزش اخلاق و کمک به انسان برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی است. در ردیف شاعران معروف ادبیات تعلیمی، از برجسته ترین نمونه های شعر اخلاقی معاصر به شمار می رود و توصیه های اخلاقی ارزشمندی را در اشعار ساده و جذاب این شاعر می توان دید. نتیجه پژوهشهای انجام گرفته در باره پروین اعتصامی، به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول ۱: پیشینه پژوهشهای انجام گرفته در باره پروین اعتصامی

محقق و سال تحقیق	عنوان تحقیق	مؤلفه های مورد بررسی
موید (۱۳۶۸)	جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی	حرمت انسانی و شرافت فرهنگی
پناهی (۱۳۷۸)	اندیشه فلسفی در شعر پروین اعتصامی	عرفان، اخلاق، شریعت، توجه آیه ای و تسییحی به جهان

توجه به تعلیم و تربیت	تحلیل بنیادین شعر و شخصیت پروین	شعبانی (۱۳۸۷)
توجه به تعلیم و تربیت، اخلاق، پرهیز از سکوت در برابر ستم، بی توجهی به دنیا و توشه گیری برای آخرت	تحلیل شعر پروین اعتصامی بر اساس نظریه زیباشناختی	محسنی (۱۳۸۸)
توجه به قرآن و عرفان، ادب آموزی و تعلیم و تربیت	آموزه های قرآنی در آینه شعر پروین اعتصامی	لویمی وبهامیریان قهفرخی (۱۳۸۹)
توجه به تعلیم و تربیت، دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی	بررسی بازتاب روحيات پروین اعتصامی در توصیه های اخلاقی وی	شریف پور (۱۳۹۳)

یافته های پژوهش و تحلیل

مولفه های سبک زندگی و فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی و مصادیق آن در دیوان پروین اعتصامی را به صورت زیر می توان احصاء نموده و برشمرد:

۱- خداشناسی:

در قرآن مجید آیات متعددی در مورد زن و حقوق و حدود او وجود دارد. روشن ترین و گویاترین آیه نشانگر دیدگاه اسلام در مورد زن و مرد، آیه ۱۳ سوره "حجرات" است که می فرماید: "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم؛ ای مردم ما شمارا از مرد و زن آفریدیم و گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا شناخته گردید، گرامی ترین شما در پیشگاه الهی با تقوی ترین شما است." (حجرات: ۱۳). در این آیه شریفه معیار و میزان ارزش انسان، خداشناسی و معرفت حقایق هستی است که اصالت افراد تنها با آن میزان سنجیده می شود. آیه مزبور تنها به بعد اخلاقی توجه ندارد بلکه معیار سنجش ارزش واقعی بشر را

نیز در پیشگاه الهی مطرح می سازد که همان ادراکات واقعی و مراتب دریافت این ادراکات از واقعیت زندگی و هستی است. خداوند به نوعی اعلام می دارد که زن و مرد به اندازه معرفت و شناختشان از حقایق، سنجیده می شوند و آثار ما مآثر زندگی نیز، بر این معیار و میزان استوار می باشد. جنسیت و نوعیت فرد در ارزش گذاری او کوچک ترین تاثیری ندارد. (عقیقی بخشایشی و عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲: ۳۹)

از سویی باید توجه داشت که آموزش، آزادی و تساوی حقوق زنان در خانواده و جامعه و ورود تفکر و چالش های فرهنگ مدرنیسم، کم و بیش در دوران مشروطه مورد توجه قرار گرفت و شاعرانی چون ابوالقاسم لاهوتی، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، پروین اعتصامی، محمد تقی بهار و... همگی با اتکا به آموزه های دینی و مذهبی، با تعصبات کورکورانه ای که زنان را سرکوب می کردند به مبارزه برخاستند و در اشعار خود فراوان به آن پرداختند.

پروین که از کودکی به واسطه پدر دانشمندش یوسف اعتصام الملک با متون عربی آشنایی پیدا کرده بود، در هیاهوی مبارزات زنان برای احقاق حقوق خود در دوران مشروطه، با علم بر آیات الهی هیچ تفاوتی را بین زن و مرد قائل نبود؛ بلکه میزان برتری را عفت درونی و پرهیز کاری افرادی از هر دو جنس می دانست. باورهای پروین ریشه در تربیت اسلامی او داشت؛ به همین علت در دورانی که زنان تنها به زیورآلات و تجملات ظاهری بها می دادند، او آنها را به ارزش های والای انسانی هشدار می داد.

از دیدگاه پروین شناخت خدا و حضور بی بدیل او در زندگی انسان علاج همه دردهاست: من چه دانم، کان طیب اندر کجاست می شناسم یک طیب، آن هم خداست (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۳۴۵)

پروین در خانواده ای فرهنگی و صد البته معتقد به اصول و احکام دین رشد یافته بود. در تایید اعتقاد خالصانه این خانواده به دین، همین بس که آن ها محل دفن خود را آرامگاهی در جوار حضرت معصومه (س) تعیین کردند و برای همیشه مجاور آن بانوی اهل بیت شدند، خوشا به حالشان. (احمدزاده بخشایش، ۱۳۹۲: ۶۰)

تأثیر قرآن و متون مذهبی بر سرتاسر زندگی پروین سایه افکنده بود. این حقیقت، از اشعاری که او برای سنگ مزارش در سن ۳۰ سالگی می سراید مشهود است:

اینکه خاک سیهش بالین است اختر چرخ ادب پروین است
گرچه جز تلخی ایام ندید هر چه خواهی سخنش شیرین است
صاحب آنهمه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴۰۵)

شعر پروین آئینه افکار اوست. دلش پاک و اندیشه اش روشن است و اعتقادش به خداوند راسخ و شرط نیک نامی و سعادت را در محبت، احسان و نیکی، بخشش و دستگیری از ضعیفان به هنگام توانایی می داند.

دل پاک آئینه روی خداست این چنین آئینه زنگاری نداشت
کعبه دل مسکن شیطان مکن پاک کن این خانه که جای خداست (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۷)

۲- بصیرت:

آگاهی از زمانه و چگونگی رفتار در موقعیت های خاص، لازمه هر انسان بصیر درانتخاب راه درست است. پروین که از همان دوران کودکی به واسطه پدر هم نشین بزرگان ادبیات و فرهنگ فارسی بود، از چشمه جوشان ترجمه های پدرش نیز سیراب گشت. او همراه پدر به اقصی نقاط دنیا رفت و با فرهنگ و رسوم ملل مختلف آشنایی پیدا کرد و در این سفرها تجربه بسیاری از فراز و فرود و نابسامانی های روزگار خود درک نمود.

پدر پروین به ترجمه آثار غربی می پرداخت و از دخترش می خواست که ترجمه ها را به نظم درآورد. شعر هوراشیو^۱ اسمیت (۱۸۴۰-۱۷۷۴) نمونه ای است که توسط پروین به نظم تبدیل شده است. پروین با رنگ و لعاب شرقی و با تخیل خود این شعر را به نظم درآورد؛ چنان که گویی خود در موزه بوده و مومیایی را دیده است. نمونه هایی از این دست باعث می شد که پروین دید کامل

^۱Horatio Smith

تر و افق بازتری برای درک اوضاع زمانه پیدا نماید. چنین درکی امکان تلفیق و همسازی، دو بینش کاملاً متفاوت سنت شعری کلاسیک و ادبیات قدیم ایران با فرهنگ غریبه و جدید غرب را برای پروین فراهم می‌ساخت. همین موضوع باعث شد تا پروین هم از میراث فرهنگی جامعه خودش بهره‌مند شود و هم با جهان معنایی تازه‌ای به نام فرهنگ معاصر غرب آشنا شود. (احمدزاده بخشایش، ۱۳۹۲: ۵۴)

تحصیل در مدرسه آمریکایی او را از شرایط و موقعیت زنان در شرق و غرب آگاه ساخت و آثار آن در خطابه‌ای که در روز فارغ‌التصیلی اش می‌خواند، بسیار مشهود است. در دیوان او جان بخشی به اشیا، جدال و مناظره، گفت و شنود، پرسش و پاسخ، کاربرد استعاره و استفاده از سمبل‌ها بسیار قوی است و او این توانایی را به دلیل آشنایی با ادبیات غرب به دست آورده بود. از سوی دیگر آنچه خود داشت از بیگانه‌ها تمنا نمی‌کرد. او هم چون مادری مهربان دست پر مهر خود را بر سر فرزندان میهنش می‌کشد و ارزش‌های انسانی و فرهنگی سرزمینش را با قلم به تصویر در می‌آورد. با در نظر داشتن نکاتی که درباره پروین، پدرش و برهه تاریخی زندگی آنها ذکر شد، در می‌یابیم که این دو، آثار خود را تحت تاثیر فضای ادبی دوره مشروطه خلق کردند؛ ضمناً آنچه از ادبیات غرب آموخته بودند نیز در نگارش آثار خود بهره‌جستند. با مطالعه دقیق اشعار پروین می‌توان نشانه‌های بیشتر و ظریف‌تری از این آموخته‌ها را یافت، زیرا پروین در کنار حفظ اصالت‌های شرقی و اخلاقی خود، از ادبیات غرب در جهت عمق بخشی معنایی به اشعارش و وفق دادن آن‌ها با اقتضائات زمان خود استفاده کرد. (خالقی راد، ۱۳۶۹: ۵۷)

شعر پروین تلفیقی از "خرد و پند" کهن، همراه با نوعی دلسوزی و واکنش در مقابل مسائل دوروبر خود است که در جای خود یادآور سنت نویسندگان قدیم است. اشعار وی اغلب پوششی از رمانتیسم ادبی در خود دارد که تاثیر گرفته از روز آمد ادبیات غرب است. (آژند، ۱۳۶۳: ۳۴۳)

مهربانوی جوان ادب ایران با سبک اشعار قدیمی ادبیات فارسی آشناست و به دور از هرگونه مصنوعی‌گری در شعر، با بیانی محکم و صریح و بسیار عمیق و با عزت نفس به دنبال شناخت هویت پنهان زنان در پستوهای خانه‌هایشان است. او در خطابه اش در روز فارغ‌التحصیلی پرده

سکوت را می‌درد و حقوق زنان جامعه اش را از نظام اجتماعی مطالبه می‌کند. او در میانه خطابه اینچنین می‌گوید:

"زن پس از قرن‌ها در ماندگی، حق فکری و ادبی خود را بدست آورد و به مرکز حقیقی خود نزدیک شد. دایره تعلیم و تعلم نسوان در خور ارزش ذاتی آنان کسب اهمیت کرد. تابش انوار دانش ملکات عقلیه آنها را پرورش داد. زنها در اینوقت به انجام وظیفه مبادرت نمودند و مبادی آدمیت، اجتهاد در سعی و عمل، ضرورت تحصیل علم، مقاومت در میدان مبارزه زندگانی، احتراز از عمل ناشایست را به فرزندان خودشان که مردان آینده بودند یاد دادند. در این عصر مفهوم عالی "زن" و "مادر" معلوم شد و معنی روحبخش این دو کلمه که موسس بقا و ارتقا انسان است پدیدار گشت. اینکه بیان کردیم راجع به اروپا بود. اما در مشرق که مطلع شرایع و مصدر مدنیت عالم بود، در این ممالک بزرگ نامور که همه از حشمت و شوکت دیرین آن آگاهند، کار بر این نهج نمی‌گذشت. در طی این ایام، روزگار زنان مشرق زمین همه جا تاریک و اندوه خیز، همه جا آکنده برنج و مشقت، همه جا پر از اسارت و مذلت بود. مدتهاست که آسیایی از خواب گران یاس و حرمان برخاسته؛ می‌خواهد آب رفته را بجوی بازآرد...." (مجموعه مقالات و قطعات، ۱۳۲۰: ۲۶)

میان صورت و معنی بسی تفاوت هاست
فرشته را به تصور مگویی اهرمن است
هزار نکته ز باران و برف می‌گوید
شکوفه ای که به فصل بهار در چمن است
هم از تحمل گرما و قرن‌ها سختی است
اگر گهر به بدخش و عقیق در یمن است (اعتصامی
۱۳۸۸: ۳۷۶)

او شرایط زمان خود، جایگاه زنان را بسیار تیره و تاریک می‌بیند و تلاش می‌کند تا از دانسته‌های خود از دنیای غرب بهره‌جسته و با شجاعت تمام آن را در سید اخلاص بگذارد و بدون هیچ پرده پوشی به زنان و مردان جامعه اش تقدیم کند. از نظر پروین این مسیر نه تنها آسان نیست بلکه بسیار دشوار و گاهی غیر ممکن می‌نماید. او تنها مسیر درست را بصیرت و ژرف اندیشی، شناخت دوست از دشمن و گوهر عقل و خرد می‌داند.

منه، گرت بصری هست پای در آتش
مزن، گرت خردی هست، مشت بر سندان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۲۲)

تأثیر ادبیات غرب (عمدتاً از راه ترجمه و گاهی به صورت مستقیم) یکی از عوامل اصلی ظهور رمانتیسم در ادبیات جدید فارسی است؛ ولی نباید نقش عوامل اجتماعی و فکری را نادیده گرفت. از لحاظ اجتماعی، دوره پیدایش رمانتیسم در ایران نیز هم چون غرب، دوره کشمکش نو و کهن و غلبه جهان نو بر جهان کهن است. رمانتیسم در ایران نیز هم چون غرب، آمیخته با انواع گرایش ها و دغدغه های متفاوت اجتماعی است. (جعفری جزی، ۱۳۸۶: ۲۶)

پروین، این نادره روزگار که در اوج دوران رمانتیک جدید در ادبیات ایران شعر می سرود، در شعر "اشک یتیم" جلوه هایی از این مکتب را نمایان می سازد. توجه به یتیمان تنها و بیشتر در این دوره در شعرهای مهین بانوی شعر ایران زمین جلوه می نماید. در این دوران برخی از شاعران غربی بودند که با شعرهایی مانند شعر "دودکش پاکن"^۱، اثر ویلیام بلیک^۲ درد و رنج کودکان یتیم و پیکر رنجور و نحیف و چهره دود گرفته آنان را به تصویر می کشیدند. پروین در شعرهای "تیره بخت"، "نهی دست" و نیز "اشک یتیم" از روزگار کودکانی می گوید که بی مادری و بی پدری و یتیمی آنها را زجر می دهد و رنج و محنت آنها در شعر او نمایان می شود. او در شعر طفل یتیم می نویسد:

کودکی کوزه ای شکست و گریست که مرا روی خانه رفتن نیست
چه کنم اوستاد اگر پرسد کوزه آب از دست از من نیست
روی مادر ندیده ام هرگز چشم طفل یتیم روشن نیست
کودکان گریه می کنند و مرا فرصتی بهر گریه کردن نیست (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۶۳)

چه زیبا در این ابیات سیاهی و پلیدی دنیای کودک یتیم و ژرفای غم و اندوه او در پرده تصویر

۱. Chimney Sweeper

۲. William Blake

می آید. طفل یتیم نه تنها در حسرت شادیهای کودکانه نیست بلکه تمنای گریه دارد و دنیای او از روزی تاریک شد که چشمش از دیدن روی مادر محروم گشت. و اینچنین است که پروین با تمرکز بر متون ترجمه شده غربی و از تجربیات سفرهایش با پدر به نقاط مختلف دنیا تحفه ای فراهم می آورد و به مردمان سرزمینش تقدیم می کند. او با بصیرت خود از کاستی ها فرصت می سازد تا آگاهی بخش جامعه باشد.

۳-قناعت:

قناعت در فرهنگ اسلام به معنای سخنگیری در امور معاش و تنبلی در کار و تلاش نیست، بلکه مطرح ساختن آن در میان مومنان برای رهایی از اضطراب حریصان و ارتقای انگیزه انسان از حقیض غرائز حیوانی به اعلی درجه قوای روحانی است (سید پورآذر، ۱۳۹۲)

اصل دیگر در اصلاح معیشت قناعت و عادت دادن نفس به اندک است و التزام به آن، انسان و جامعه را عزیز می گرداند، چنانکه علی (ع) می فرماید: "بالقناعه یکون العز"، با قناعت عزت به وجود می آید (ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۵۵: ۳)

پروین به دنبال هویت گمشده زن در تاریخ است و برابری و تساوی حقوق زن و مرد را مطالبه می کند. او با اینکه زنی است که خود تجربه اندکی از زندگی زناشویی دارد و در این زمینه شکست خورده محسوب می شود، چه زیبا می خواهد رفتار شایسته یک زن قانع را در قبال همسرش گوشزد کند، فارغ از هر گونه جانبداری، همچون یک زن اصیل و متعهد سخن می گوید، گویی که روزگار بر وفق مراد و یار همراه او بوده است. او در میانه شعر "فرشته انس" می گوید:

....

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود طیب بود و پرستار و شحنه و دربان
به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق به روز سانحه، تیمار خوار و پشتیبان
زیبش و کم، زن دانا نکرد روی ترش به حرف زشت نیالود نیکمرد دهان (اعتصامی،
۱۳۸۸: ۲۷۸)

نگاه پروین به قناعت ریشه در ایمان قلبی و زندگی اخلاقی او دارد. از نظر او انسان قانع ثروتی

دارد که با ملک سلیمان برابری می کند. قناعت از نظر او گنجی است با ارزش که پاکان و صالحان با داشتن آن در کلبه دهقانی خود بهتر از شاهان، فرمانروایی می کنند.

همچو پاکان گنج در کنج قناعت یافتن
مور قانع بودن و ملک سلیمان
داشتن (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۵۵) خوشتر از دولت جم دولت درویشی
بهتر از قصر

شهی، کلبه دهقانی (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۱۱)

قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی
گدای خویش باش ار طالب ملک
سلیمانی (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۱۵)

۴- دل نبستن به دنیا:

پروین هم چون یک مومن واقعی دنیا را محل گذر می داند و دلبستگی به رنگ و لعاب آن ندارد. در اشعار او دنیا محل اندوخته کردن توشه برای آخرت انسان است و او نیامده است تا بر سر این سفره رنگین بنشیند و به آن دل ببندد:

گرت ای دوست بود دیده روشن بین
بجهان گذران تکیه مکن چندین

نه بقای است به اسفند مه و بهمن
نه ثباتی است به شهریور و فروردین (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۷۹)

میزبانی نکند چرخ سیه کاسه
منشین بیهده بر سفره الوانش (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۷۶)

ای دل، عبث مخور غم دنیا
فکرت مکن نیامده فردا را

کنج قفس چو نیک بیندیشی
چون گلشن است مرغ شکبیا را (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۵)

از نظر پروین دنیا تکیه گاه مطمئنی نیست. او جهان را چون خانه ای روی آب، متزلزل و بی

ثبات می داند که در آن هیچ چیز دائمی نیست. پروین خردمندانه و با توجه به آموزه های دینی و

پیروی از دیدگاه معصومان به جهان، واقعیت مرگ را می پذیرد و همه را دعوت به نیکی و استفاده

درست از فرصت عمر می کند. (شریف پور؛ مرجع زاده، ۱۳۹۳)

او در اشعارش همواره به عبرت گرفتن از روزگار توصیه می کند و دل را آینه الطاف الهی

می داند و دنیا را زندان مومن بر می شمرد و آرزو دارد از سر صدق و نیاز در سجده گاه دل نمازی

بر آستان حضرت دوست بگذارد.

بشکاف خاک را بین آنکه بی مهری زمانه رسوا را (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۵)

خوش آنکس، کز سر صدق و نیازی کند در سجده گاه دل، نمازی (اعتصامی، ۱۳۵۵:

۳۵۵)

از دیدگاه پروین عمر بسیار کوتاه و فانی است و دل بستن به آن جز تباهی و خسران به همراه ندارد.

دنیا خانه ای ناامن است و تا فرصت هست باید به فکر آخرت بود و توشه ای مهیا ساخت.

ای دل! فلک سفله کج مدار است صد بی خزانیش به هر بهار است

باغی که در آن آشیان کرده ای منزلگه صیاد آشکار است

در رهگذر سیل خانه کردن بیرون شدن از خط اعتبار است

آشفته و مستیم بر گذرگاه سنگ و چه و دریا و کوهسار است (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۲)

چرخ و انجمن هستی ما می برند ما نمی بینیم و ما را می برند

ره نمی پرسیم اما می رویم تا که نیرویی هست در پا می رویم

کاش روزی زین ره دور و دراز باز گشتن می توانستیم باز

کاش آن فرصت که پیش ما شتافت می توانستیم آن را باز یافت (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

۵- ظلم ستیزی:

پروین شاگرد مکتب پدرش و دوستان پدرش است. کسانی که در پی بروز طوفان مشروطیت

به یک باور عمیق رسیده اند و آن این است که جهانی که در آن یک عده از بس بخورند بالا بیاورند

و یک عده هرگز مفهوم سیر شدن در زندگی را برای یکبار هم که شده تجربه نکنند، نباید ادامه

داشته باشد. این جهان باید جای خود را به جهانی انسانی تر بدهد که در آن عین قبول تفاوت ها،

لااقل هیچ کس گرسنه نخواهد. او شاگرد مکتبی است که آموخته ظلم نباید پایدار باشد و اولین راه

مقابله با ظلم پند و اندرز است تا بعد نوبت به مراحل دیگر برسد، پروین شاعر مرحله پند و اندرز

است. (احمدزاده بخشایش، ۱۳۹۲: ۱۶۹)

پروین در "اشک یتیم"، "دزدو قاضی"، "محتسب و مست" با بیانی کوبنده و تند بی هیچ پروایی با دولتمردان و فرمانروایان سخن سرایی می نماید. وی در قطعه "شکایت پیرزن" از قول پیرزن به شاه می گوید:

مردی در آنزمان که شدی صید گرگ آرز
از بهر مرده حاجت تخت و کلاه نیست
هنگام چاشت سفره بی نان ما ببین
تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست
دزدم لحاف برد و شبان گاو پس نداد
دیگر به کشور تو امان و پناه
نیست (اعتصامی، ۱۳۵۵، ۲۴۸)

نگرش پروین به ظلم شاه وقت و فساد دستگاه حکومت او از همین ابیات آشکار می شود. زنی جسور و مقتدر که درخواست رضا شاه برای تعلیم فرزندانش را رد می کند و از دریافت درجه علمی دولت امتناع می نماید و مردان روزگار را در تعهد و صداقت به رزم می طلبد.

آری شعر پروین زاینده تفکر اوست و جهان بینی عمیقی دارد. او نه تنها مردان بی کفایت دوران خود بلکه حاکمان وقت را نیز به نبرد می طلبد و اینچنین است که ماندگار می شود. شعر او پیامی جهانی دارد و زمان و مکان خاصی را شامل نمی شود. شعر اجتماعی-سیاسی "گفتگوی پیر زال با شباویز" یکی از این نمونه ها است:

برون آمد از کنج مطبخ عجوز
ز پیری به زحمت، ز سرما به سوز
شکایت کنان که ز سر که ز پشت
چراغی که در دست خود داشت کشت
شنیدم که کوته زمانی نخفت
شکسته گرفت و پراکنده رفت
بنالید از ناله مرغ شب
که شب نیز فارغ نه ایم ای عجب!
ندیدیم آسایش از روزگار
گاهی بانگ مرغست که رنج کار
به نرمی چنین داد مرغش جواب
که: "ای سالیان خفته! یک شب مخواب
به سرمزلی کاین قدر خو کنند
و در آن خواب آزادگان چون کنند (دیوان پروین
اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۴۵)

روح پروین بسیار حساس و لطیف است آنچنان که هم از زبان نخود و لوبیا و عدس و ماش

سخن به میان می آورد و هم با جسارت و بسیار کوبنده بر ظلم و ستم شاهان و نابرابری ها و بی عدالتی های جامعه می تازد.

برای نمونه در شعر "فلسفه" می گوید:

نخودی گفت لویایی را کز چه من کردم این چنین تو دراز (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۸۳)

و یا در شعر "بازی زندگی" می سراید:

عدسی وقت پختن، از ماشی روی پیچید و گفت این چه کسی است (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

و نیز در شعر "سیه روی" از زبان تابه به دیگ خطاب می کند:

به کنج مطبخ تاریک، تابه گفت به دیگ که از ملال نمردی، چه خیره سر

بودی (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۳۹)

در کنار پردازش به این مفاهیم کنایه ای، پروین در برابر نابرابری ها و بی عدالتی ها هم سکوت نمی کند و پا از عرصه زنانه خود فراتر می گذارد و با مردان زمان از مظالم اجتماعی سخن به میان می آورد و آنها را به رزم دعوت می نماید، آنجا که می گوید:

ای عجب! این ره نه راه خداست زانکه در آن اهرمنی رهنماست

قافله بس رفت از این راه، لیک کس نشد آگاه که مقصد کجاست

راهروانی که در این معبرند فکرشان یکسره آزو هواست

ای رمه، این دره چراگاه نیست ای بره، این گرگ بسی ناشتاست (اعتصامی، ۱۳۸۸)

(۳۱۲):

او شاعری است اخلاق مدار که رسالتی را بر دوش خود احساس می کند و آئینه تمام نمای روزگار خویش است که با ستم سر ناسازگاری دارد.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی فریاد شوق به هر کوی وبام خاست

پرسید زان میانه یکی کودک یتیم کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست

آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست پیداست آنقدر که متاعی گرانهاست

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت این اشک دیده من و خون دل

شماست (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

هنر پروین این است که او خود را تافته جدا بافته از جامعه نمی داند و چه شجاعانه حریف می طلبد و ظلم و بیداد زمانه را فریاد می زند و حق و عدالت را خواهان می شود. او با زبانی صریح رنج زمانه را فریاد می کشد و از عواقب آن هیچ ترسی ندارد.

ما را به رخت شبانی فریفته است این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک رهن است آن پادشا که مال رعیت خورد گداست
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین به کجروان سخن از راستی چه سود کو آن چنان کسی که نرنجد زحرف
راست (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

۶- متانت و تواضع:

متانت، تواضع و فروتنی اهمیت خاصی در اخلاق اسلامی دارد تا آنجا که خداوند به پیامبرش امر می فرماید: "ای رسول من پروبال رحمت را بر تمام پیروان با ایمانت به تواضع بگستران" (شعرا: ۲۱۵). پروین با علم بر آموزه های دینی به این مهم بسیار توجه داشته است و دیوان او که اولین بار در سال ۱۳۱۴ منتشر شد مایه فخر یوسف اعتصامی گردید و او یک جلد از آن را برای علامه شیخ محمد خان قزوینی، ادیب و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران، به پاریس فرستاد. در قسمتی از نامه ای که آقای قزوینی (پاریس - ۲۳ آذر ۱۳۱۴) در جواب نوشته اند آمده:

"آقای عزیز محترم معظم - مرقومه کریمه مورخه ۲۴ آبان با یک جلد دیوان خانم پروین اعتصامی، چندی قبل زیارت گردید و با کمال لذت و تمتع، قسمت عمده این دیوان و مخصوصا قصاید آنرا مطالعه کردم. و هر چه بیشتر می رفتم و بیشتر می خواندم، استعجاب من به تعجب مبدل می شد که چگونه امروزه در این قحط الرجال فضل و ادب، یک چنین ملکه النساء الشواعر در مرکز ایران ظهور کرده و به سرودن چنین اشعاری در درجه اول فصاحت و ملاحات و متانت که لفظا و مضمونا و فکرا با بهترین قصاید اساتید و مخصوصا ناصر خسرو دم برابری می زند موفق گشته

است. "مجموعه مقالات و اشعار خانم پروین اعتصامی، ۱۳۲۰: ۲۰-۱۹)

یوسف اعتصامی با دادن قلم به دست پروین، شاعره و مرد بانوی فرهیخته ای که تلاش کرد تا ارزش های والای انسانی را به تصویر بکشد، زمینه را برای مردان جامعه فراهم ساخت تا او و زنانی را که قلم در دستانشان شکست و نوشته هایشان در آتش خشم و غضب سوخت، بار دیگر ببینند و در رفتار ناشایست خود تامل کنند. او زمانی به چاپ آثار پروین می پردازد که زنان در هیاهوی اثبات حضور خود در فعالیت های اجتماعی بودند و چه بسا در این دوران فرصت را مغنم شمرده و برای احقاق حقوق خود گاه راه را اشتباه رفتند و با گرایش به فرهنگ غرب و بی بند و باری از هویت انسانی، ملی و مذهبی خود دور شدند. پروین با همه احاطه ای که به واسطه پدردانشمندی از متون غربی پیدا کرد، از ارزش های اصیل مشرق زمین که در پرده غبار تعصب و تجاهل مخفی گشته بود، بار دیگر رونمایی کرد و با متانت و تواضع به دور از غرور و خودستایی لقب سعدی زنان روزگار را به خود اختصاص داد.

خویشن دیدن و از خود گفتن صفت مردم کوتاه نظر است (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۰۳)

به نوشته یکی از ادیبان روزگار: "محفل ادبی یوسف اعتصامی، پدر پروین که ادیب و نویسنده و مترجمی چیره دست بود و پروین از نخستین سال های کودکی در آن حضور داشت و درک محضر دانشمندانی نظیر ملک الشعراء بهار، محمد قزوینی، علی اکبر دهخدا، سید نصرالله تقوی، سعید نفیسی و دیگران موجبات تعلیم و تربیت او را از هر حیث فراهم آورد. تحصیلات رسمی پروین در دبیرستان آمریکایی دختران در تهران انجام گرفت و در آن جا زبان انگلیسی را به خوبی آموخت. به عقیده صاحب نظران هیچ شاعری در میان شاعران زن یارای برابری با او را ندارد." (برومند، ۱۳۷۶: ۱۶)

پروین آن چه را که از زبان و فرهنگ بیگانه آموخت با ارزشهایی که ریشه در دین و مذهبش داشت و با اتکا به حمایت پدر، در قالب الگویی در شان زن اصیل ایرانی و مسلمان با زبانی ساده و بیانی فصیح و با وقار به فرزندان سرزمینش تقدیم کرد. او هرگز از تخلص خود در اشعارش استفاده نکرد و هر جا که خود را خطاب قرار می دهد تنها به جهت نصیحت و سرزنش است و این نشان

متانت اوست.

پروین بروز حادثه و سختی در کار بند صبر و مدارا را (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴)

به بستان جان تا گلی هست پروین تو خود باغبانی کن این بوستان را (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۷)

به کوی شوق گذاری نمی کنی پروین چو ذره نیز ره و رسم را نمی دانی (اعتصامی، ۱۳۸۸:

۲۱۰)

پروین دل مومن را کعبه ای می داند که از هر گونه آفت تکبر و غرور تهی است و بر این باور است

که خداوند به انسان این توانمندی را داده است تا در راه رضای او گام بردارد.

کسی بر مهتران، پروین مهی داشت که دل چون کعبه، ز آلائش تهی داشت (اعتصامی،

۱۳۵۵: ۳۵۵)

۷- پرهیز از ریا و تظاهر:

رسول اکرم (ص) می فرماید: "یا اباذر ما زهد عبد فی الدنيا الا بنت الله الحکمه فی قلبه و انطق

بها لسانه. ای ابوذر هر بنده ای که در دنیا شیوه زهد پیشگی و پارسایی را پیش بگیرد، خداوند جوانه

درخت علم و حکمت را در قلب او می رویاند و میوه آن را به صورت نطق و سخن های حکمت

آمیز در زبان او به جریان می اندازد." (مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۴، ۲۶۵)

شعر قدرت و تاثیر بسیاری بر مردم در هر دوره و زمان داشته است. شعر و شاعری ریشه در

فرهنگ و زبان ملت ها دارد و گاه آشکارا و گاه در قالب صناعات ادبی حقایق جامعه را بیان می

کند. اشعاری که از دوران مشروطه، در حدود سال های ۱۲۸۴ تا چند سال پس از ۱۳۳۰ ه.ش سروده

شده است از این قاعده مستثنی نیست و با این که این دوران بسیار کوتاه بود ولی نفوذ و تاثیر بسیار

زیادی بر مردم داشت.

بلند شاخه به دست بلند میوه دهد چرا که با نظر پست برتری نتوان

بین زدست چکار آیدت همان میکن مباح همچو دهل خود نما و هیچ میان (اعتصامی

۱۳۸۸: ۳۲۲)

بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق بین چه بیهده تفسیر جاهدوا کردیم

چونان ز سفره ببردند سفره گسترديم چو آب خشک شد اندیشه سبو کرديم (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۳)

موضوع شعر مشروطه، حوادث سیاسی و اجتماعی روز بود و از یک سو ریشه در شعر سنتی داشت و از سوی دیگر بنیان شعر مدرن را پایه ریزی می کرد. مبارزات دوران مشروطه علیه حاکمیت استبداد کهنسال ایرانی به منزله نقطه عطفی در زندگی سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود. شعر در این روزگار از اسارت و بردگی دربار به بیرون آمده و در خدمت بیدارگری اجتماعی قرار گرفته بود. چنین بود که شاعران با هدف ایجاد تحول بزرگ اجتماعی به سرآیدن شعر اقدام نمودند و در این راه توفیقات شایان توجهی به دست آوردند. شعر زبان مدح و پیچیده خود را تغییر داده و زبان محاوره مردم کوچه و بازار را پیشه کرد. زنان شاعر در این دوران هم گام با مردان شاعر در عرصه های گوناگون سیاسی و اجتماعی قدرت نمایی کردند و اینکه زنان را از این مقوله جدا کنیم خیانت بزرگی به ادبیات است. زن در دوران شعر سنتی یا کلاسیک شاعری نکرد. اگر زنی چندبیتی شعر می سرود توسط خویشاوندانش کشته می شد و یا ترجیح می داد در پستوی خانه اش، آن را به آتش خشم دنیای مرد سالار بسپارد و با حسرت آخرین بقایای خاکسترش را نظاره گر باشد. با ظهور نشریات مختص زنان در سال ۱۳۰۰ به بعد، فرصتی مغتنم به صداهای خاموش شده آنان داده شد تا تلاشی دوباره را در دنیای تبعیض آمیز مردانه آغاز و فارغ از جنسیت درست فکر کنند. سر کوب پروین و متهم ساختن او به تملک اشعار بهار، خود گواه این موضوع است که پروین توانی کمتر از شاعران بزرگ دوران ندارد.

فعالیت اجتماعی و فرهنگی زنان در غرب قدمتی چهارصد ساله دارد، درحالیکه این فرصت و مجال برای زنان ایران تنها بعد از مشروطه حاصل شد. بعد از پروین، فروغ فرخزاد آنقدر جسارت یافت که پای شعرهایش با نام خودش امضا بزند. هر چند نباید فراموش کرد که ملک الشعراء بهار و پروین اعتصامی راه را برای امثال او هموار ساخته بودند.

زبان شعر در این دوران وارد جریان جدیدی شد و بسیار ساده گشت و این سادگی و صداقت،

مدیون متون ترجمه شده ای بود که پروین با اشعار شاعرانی هم چون سیلویا پلاث^۱ در معرض آن بود و با او به ساده نویسی روی آورد.

زنانی که دردوران کلاسیک حتی نامشان در تذکره های ادبی ذکر نشده بود، به همت پروین قلم به دست گرفتند و با نام خود شعر سرودند. سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده، فروغ میلانی، پروانه ملک زاده، نسرین جعفری، پوران فرخزاد، منصوره نیک گفتار، سوسن فلاح و... نمونه هایی از دریای بیکران و چشمه جوشان شعر شیرین پارسی هستند.

پروین دورویی و نفاق را دلیل همه تباهی ها می داند و همواره تلاش می کند تا آن را در دیوان اشعارش به تصویر بکشد.

آن سفله ای که مفتی و قاضی است نام او تا پود و تار جامه اش از رشوه و ریاست (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۴۰)

از مهر دوستان ریاکار خوشتر است دشنام دشمنی که چو آینه راستگوست (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۱۵۹)

سلام دزد مگیر و مطاع دیو خواه چرا که دوستی دشمنان از مکاری است (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۵۱)

۸- پرهیز از حرص و طمع:

از مصادیق بارز سبک زندگی ایرانی اسلامی انفاق و دوری از حرص و آز است. مومن زمانی که دست یاری به سمت نیازمندان دراز می کند جز خدا و خشنودی او ادعایی ندارد.

به وقت بخشش و انفاق، پروین نباید داشت دردل جز خدا (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

بگفت ای بی خبر ما رهگذاریم بر این دیوار نقشی می نگاریم

من آگه بودم از پایان این کار تو را آگه کردن بود دشوار (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

پروین که خود طعم فقر را نچشیده و از خانواده مرفهی است، در دیوان اشعارش بسیار به

1. Sylvia Plath

موضوع فقر و تنگدستی و مردمان ضعیف که قربانی حرص و آز در جامعه گشته اند، می پردازد و این ویژگی ریشه در تعالیم دینی و مذهبی او دارد. او می داند که حرص و طمع آفت جان هر انسان مسلمان است و او را از صراط مستقیم منحرف می سازد؛ از این رو در اشعارش از پیروی هوای نفس و بدفرجامی ناشی از آن هشدار می دهد. از نظر او بنده حرص و طمع شدن دین و دنیای انسان را می گیرد و خیانت در امانت الهی محسوب می شود.

دل و دین تو ربودند و ندانستی دین چه فرمان دهدت؟ بنده دیناری
غم گمراهی و پستی نخوری هرگز ز ره نفس اگر پای نگه داری
ماند آن کس که به جا نام نکو دارد تو پس از خویش ز نیکی چه به جا داری؟
تا که سرگشته این پست گذرگاهی هر چه افلاک کند با تو، سزاواری
دامن آلوده مکن، چونکه ز پاکانی بنده نفس مشو، چونکه ز احراری
جان تو پاک سپردست به تو ایزد همچنان پاک بیایدش بسپاری (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۸۴)

۹- کار و تلاش:

درسبک زندگی اسلامی، انسان باید برای رفع نیاز هایش تلاش کند، برای رهایی از فقر سعی خود را به کار بندد. هم زاهدانه زندگی کند و هم به دنیا دل نبندد. (آذرشب؛ میر مرادی، ۱۳۹۳: ۵)

پروین کار و تلاش را جوهره هر مرد و زن مسلمان می داند و چه زیبا از زبان پرندگان به نصیحت و موعظه نسل جوان می پردازد و هم چون مادری دلسوز و آینده نگر، این حس شیرین را به خوبی به فرزندان میهنش تقدیم می کند. او مادری خود را بهتر از هر مادری ترسیم می نماید و از تقدس تلاش و نکوهش کاهلی سخن می گوید. در شعر "مادر دور اندیش" می نویسد:

با مرغکان خویش چنین گفت ماکیان که ای کودک خرد گه کار کردن است
روزی طلب کنی که مرغ خرد را اول وظیفه رسم و راه دانه چیدن است
بی رنج نوک و پانتهوان چینه جست و خورد گر آب و دانه ایست به خونابه خوردن
است (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۵۷)

و این مهر مادری، لطافت روح و پند و اندرز عناصری است که در بسیاری از اشعار پروین مشهود است.

ای مرغک خرد، ز آشیانه	پرواز کن و پریدن آموز
تا کی حرکات کودکانه	در باغ و چمن چمیدن آموز
رام تو نمی شود زمانه	رام از چه شدی، رمیدن آموز
مندیش که دام هست یا نه	بر مردم چشم، دیدن آموز
شو روز به فکر آب و دانه	هنگام شب، آرمیدن آموز (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۹۰)

پروین جوانان را به گوهر تلاش و کوشش به عنوان سرمایه بزرگ انسانی و برای رسیدن به زندگی بهتر و آسایش، ترغیب و تشویق می نماید. جوانی و سلامتی ماندگار نیست و باید تا فرصت هست از آن سود برد. او در گفتگوی بزرگتر با فرزندش این چنین توصیه می کند:

دولت نوروژ نیاید بسی	حمله تاراج خزان در قفاست
دور کن از دامن اندیشه دست	از پی مقصود برو تا ت پاست (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۵۵)
مرا در دامها بسیار بستند	ز بالم کودکان پرها شکستند
گه از دیوار سنگ آمد گه از در	گهم سر پنجه خونین گشت گهی سر
نگشت آسایشم یک لحظه دمساز	گهی از گربه ترسیدم گه از باز
هجوم فتنه های آسمانی	مرا آموخت علم زندگانی

نگردد شاخک بی بن برومند ز تو سعی و عمل باید زمن پند (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

۱۰- کسب علم و دانش و هنرورزی:

پروین هنرمندی مسئول در برابر جامعه خود است و با نوشته هایش مسائل اجتماعی را بازگو می کند. هر کلمه ای که می نویسد از ذره ذره وجودش شکل می گیرد و او نگهبان فرهنگ جامعه خویش است. او تنها شاعری با ذوق و قریحه نیست بلکه در عین آگاهی از گذشته تاریخی و فرهنگی کشورش با تاریخ و فرهنگ غرب نیز آشناست و پیشرفت و درمان درد و رنج را در تعلیم و تربیت

، فارغ از جنسیت می داند و حسرت می خورد که حاکمان و زمامداران از این مسئله بسیار مهم غافلند و از اندیشمندان و روشنفکران میهنش تقاضای یاری دارد. شاعره ای عزیز و والا که درد مشترک خود را با جامعه اش به قلم تصویر می کشد و جهان را گذرا و از بین رفتنی می بیند و مکررا درخواست می کند تا آدمی به جهان و تعلقات آن دل بستگی نداشته باشد.

عمر چون اوراق بی شیرازه بود این گل پژمرده دیشب تازه بود
خلق را باشد هوای رنگ و بو کس نپرسد کان گل پژمرده کو (اعتصامی،

(۱۳۸۸: ۳۲۶)

پروین قدر و ارزش زن ایرانی را فراتر از رنگ و لعاب و زیورآلات زنانه می بیند و از او می خواهد که خود را به زیور علم و دانش بیاراید. او زن باهوش را زنی می داند که از بیراهه رفتن پرهیز می کند.

برای گردن و دست زن نکو، پروین سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان (اعتصامی، ۱۳۸۸
(۲۸۱:)

چه حله ای گرانت زحلیت دانش چه دیه ایست نکوتر ز دیه عرفان (اعتصامی، ۱۳۸۸
(۲۸۰:)

او نه تنها مردان را از زنان برتر نمی داند بلکه هر دو را مکمل یکدیگر تلقی می کند و معتقد است وجود هر کدام در کنار دیگری ضروری است.

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ یکی است کشتی و آن دیگری کشتی بان
چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم اگر چه باک ز امواج و طغیان (اعتصامی
(۱۳۸۸: ۲۷۹)

در روزگاری که زنان به واسطه بالا رفتن آگاهی از محیط پیرامونشان در جستجوی هویت گمشده خود در نشریات و مدارس و مجالس بودند، پروین نه تنها بسیار جسورانه می سراید بلکه به زنان فرهنگ اصیل ایرانی و جایگاه مقدسشان را یاد آور می شود و دامان زن را تضمین بزرگی و عظمت مردان می داند.

همیشه دختر امروز، مادر فرداست
ز مادر است میسر بزرگی پسران (اعتصامی،
۱۳۸۸: ۲۷۹)

پروین تحت تفکر و بینشی که پدرش نسبت به زنان داشت و اینکه برای او تعلیم و تربیت زنان در اولویت ویژه ای قرار می گرفت، سعادت یک جامعه را در پرورش استعداد و توانایی زنان جامعه اش می دید. از دیدگاه او حمایت و همراهی زنان دوش به دوش مردان می تواند بر پیروزی ملت زجر دیده ایران برای فائق آمدن بر مشکلات داخلی و خارجی بسیار راه گشا باشد. او به واسطه متون ترجمه شده غربی، تحصیل در مدرسه آمریکایی و تسلط به زبان انگلیسی و ارتباطی که حتی پس از پایان تحصیلات با دوست و هم کلاسی آمریکایی خود داشت، تقریباً با مظاهر پیشرفت غرب و مشکلات زنان آشنایی پیدا کرد. شواهد دیدگاه متفاوت پروین نسبت به زنان و مشکلات اجتماعی آنان در سخنرانی او در مراسم فارغ التحصیلی شاگردان مدرسه دخترانه آمریکایی در ۲۹ خرداد ۱۳۰۳، زمانی که او تنها ۱۸ سال داشت، در مقاله ای با عنوان "زن و تاریخ" آشکار می گردد.

چه زن چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا
که داشت میوه ای از باغ علم در دامان
به رسته هنر و کارخانه دانش
متاعهاست بیا تا شویم بازرگان
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز ارزان
کسی است زنده که از فضل جامه ای پوشد
نه آنکه هیچ نیرزد اگر شود عریان
بساط اهرمن خودپرستی و سستی
گر از میان نرود رفته ایم ما از میان (اعتصامی،
۱۳۵۵: ۲۵۹)

او زنی است که وسعت نگاه خود را از آنچه برداشت مردان از دنیای زنانه است فراتر می برد و آرمان های خود را جهان شمول می سازد. او در کسب علم و دانش هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست و زن را لایق زینت و گوهر گرانبهای تعلیم و تربیت می داند. او در آرزوی مردمی است آزاد و آباد؛ آزاد از نقص و زشتی و آباد به نور علم و عرفان.

فرشته بود زن آن ساعتی که چهره نمود
فرشته بین که برو طعنه می زند شیطان
اگر فلاطن و سقراط بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گاهواره مادر به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکیم شد لقمان
چه پهلوان چه سالک چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان (اعتصامی،
۱۳۸۸ : ۲۷۹)

پروین زندگی خصوصی اش را در شعرش منعکس نمی سازد. برای او زندگی هدفمند است و با وجود همه زشتی ها و پلیدی ها، می داند که عمر کوتاه را با کسب هنر می توان دراز و جاودانه ساخت. برای او کار و کوشش بسیار حیاتی است و او بر استعداد ذاتی خود واقف است و می داند آن را چگونه پرورش دهد و به رشد و شکوفایی برساند.

پروین شاعری است که در نگاهش به جهان هستی، با توجه به شرایط زمان از جنسیت خود عبور کرده و با نگاهی مردانه همانند یک عارف به بیان مشکلات و معضلات می پردازد و راه سعادت را در تعلیم و تربیت و بر اساس آموزه های دینی، اخلاقی و انسانی، با زبان شیرین شعر به مردمان سرزمینش تقدیم می کند. پروین جوان را به جرئت می توان مادر فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی نامید که با دیوانش از خود گذشتگی و ایثار به فرزندان و نسل جوان سرزمینش درس می دهد. مادری که تمام احساسات زنانه اش را به گوشه ای می نهد و میراث گرانبهایی با دیوان اشعارش به یادگار می گذارد. در تمام غوغا های زمانه، او خود را سپر بلای مردم سرزمینش می کند، به زبانی ساده و بی آلایش، از مردم و برای مردم می نویسد.

آنچنان که پدرش در مدح او اینچنین می نگارد:

شعر پروین، شعر اوقات و احوال و اشخاص نیست، شعر تربیت و تهذیب و تعمیم اخلاق کریمه است. ترانه روح افزای مهر و عاطفت و فضیلت است، نغمه جذاب سعی و عمل و همت و اقدام است، سرود بیداری و پرهیزگاری است. (احمدزاده بخشایش، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن
تیرگیها راز این اقلیم بیرون داشتن
عقل و علم و هوش را با یکدیگر آمیختن
جان و دل را زنده زین جانبخش معجون داشتن
چون نهالی تازه در پاداش رنج باغبان
شاخه های خرد خویش از بار، وارون داشتن (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

۱۱- عشق ماندگار:

عشق ماندگار عشقی است که در آن خسران و تباهی جایی ندارد و عشق پروین از اعتقادات او سرچشمه می‌گیرد و هرگز راه را به خطا نمی‌رود. عشقی مطهر است که ریشه در فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی دارد. برای او زندگی هدفمند است و عشق او به زندگی در عشق به معبود متبلور می‌شود. عشق الهی تکیه‌گاه او می‌گردد و بازتاب این عشق پاک در اشعارش ماندگار می‌شود. اگرچه در دیوان او به طور مستقیم از عشق سخنی به میان نیامده ولی آنجا که پروین از عشق می‌گوید مقصودش عشق الهی است.

تو مرا دیوانه خوانی ای فلان لیک من عاقل تر از عاقلان
گر که هر عاقل چو من دیوانه بود در جهان بس عاقل و فرزانه بود
عارفان کین مدعا را یافتند گم شدند از خود، خدا را یافتند
من همی بینم جلال اندر جلال تو چه می‌بینی به جز وهم و خیال
من همی بینم بهشت اندر بهشت تو چه می‌بینی به جز وهم و خیال (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۷۳)
در دیوان پروین عاشق حقیقی در شرح احوال پروانه و شمع خودنمایی می‌کند و تصویر عاشق راستین را جلوه‌گر می‌سازد.
من به پای تو فکندم دل و جان روزم از روز تو صدره بتر است
بر خود سوختم و دم نزدم گرچه پیرایه پروانه پر است
کس ندانست که من می‌سوزم سوختن هیچ نگفتن هنر است (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۷۷)
عشق پروین درونش را مطهر می‌سازد و نور خدا را در دل متجلی می‌نماید و سبک زندگی پاک و بی‌آلایش را در بند بند دیوانش به یادگار می‌گذارد. دل بریدن از تعلقات زودگذر دنیوی و پیوستن به مبدا هستی اساس عشق پروین می‌شود و او در آتش عشق حقیقی اش می‌سوزد و همچون کبوتری خود را در چنگال شاهین محبت رها می‌سازد.
ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضر داشتن

نزد شاهین محبت بی پر و بال آمدن پیش باز عشق، آیین کیوتر داشتن (اعتصامی، ۱۳۵۵: ۲۵۳)

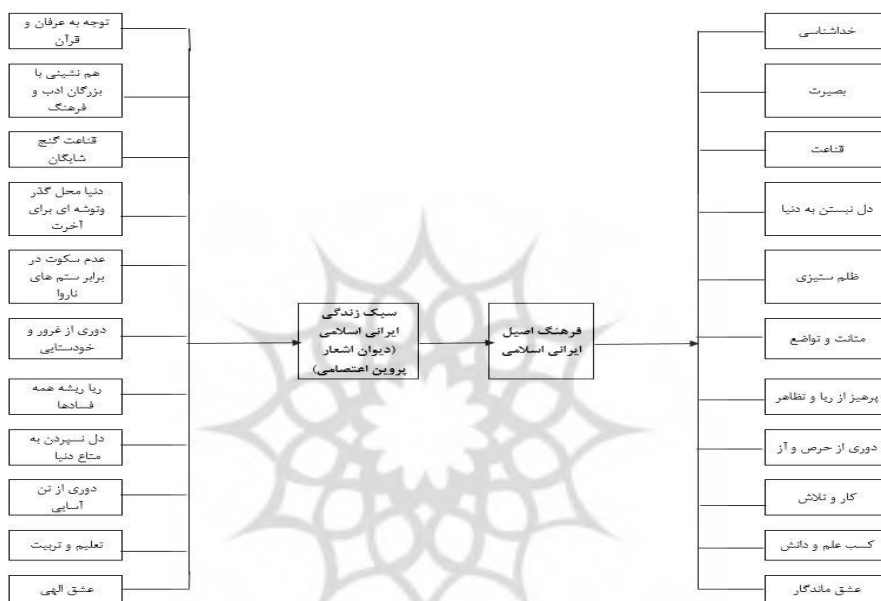
مولفه های سبک زندگی ایرانی-اسلامی و مصادیق آن ها از اشعار پروین به شرح جدول شماره ۲ است:

جدول شماره ۲: یافته های پژوهش و مصادیق آن از دیوان پروین

مصادیق از شعر پروین	مولفه ها	بعد
من چه دانم آن طیب اندر کجاست - می شناسم یک طیب آن هم خداست شعر "سنگ مزار" کعبه دل مسکن شیطان مکن - پاک کن این خانه که جای خداست	خداشناسی	سبک زندگی اصیل ایرانی- اسلامی
خطابه روز فارغ التحصیلی میان صورت و معنی بسی تفاوت هاست -فرشته را به تصور مگوی اهرم است منه گرت بصیرتی هست پای در آتش - مزن گرت خردی هست مشت بر سندان شعرهای "تیره بخت"، "تهی دست" و "اشک یتیم"	بصیرت	
شعر "فرشته انس" همچو پاکان گنج در کنج قناعت یافتن - مور قانع بودن و ملک سلیمان داشتن خوشر از دولت جم دولت درویشی - بهتر از قلعه شهر کلبه دهقانی قناعت کن اگر در آرزوی گنج قارونی - گدای خویش باش ار طالب ملک سلیمانی	قناعت	
نه بقایی است به اسفند مه و بهمن - نه ثباتی است به شهریور و فروردین	دل نبستن به دنیا	
شعرهای: "اشک یتیم"، "دزد و قاضی" و "محتسب و مست"، "شکایت	ظلم ستیزی	

پیرزن"، "فلسفه"، "سپه روی"		
خویشتن دیدن و از خود گفتن - صفت مردم کوتاه نظر است به کوی شوق گذاری نمی کنی پروین - چو ذره نیز ره و رسم را نمی دانی	متانت و تواضع	
بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق - بین چه بیهده تفسیر جاهدوا کردیم آن سفله ای که مفتی و قاضی است نام او - تا بود و تار جامدانش از رشوه ریاست	پرهیز از ریا و تظاهر	
به وقت بخشش و انفاق پروین - نباید داشت دردل جز خدا دل و دین تو ربودند و ندانستی - دین چه فرمان دهدت؟ بنده دیناری	پرهیز از حرص و طمع	
شعر "مادر دور اندیش" و ...	کار و تلاش	
برای گردن و دست زن نکو پروین - سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان	کسب علم و دانش و هنرورزی	
برای سجده در این آستان تمام سریم - پی گذشتن از این رهگذر همه پاییم	عشق ماندگار	

مدل مفهومی پژوهش



مدل مفهومی بررسی سبک زندگی در دیوان اشعار پروین اعتصامی با تأکید بر فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی

بر اساس مدل مفهومی پژوهش و در یک جمع بندی از یافته ها، همانگونه که ملاحظه می شود، دیوان اشعار پروین اعتصامی که ریشه در فرهنگ ملی و دینی شاعر دارد بسیار ارزشمند است و محدود به زمان و مکان خاصی نمی شود. نگارنده با بررسی دیوان اشعار، بخش هایی از شعرهای آن را در یازده مولفه اصلی دسته بندی و برای هر مولفه مصداق هایی از شعرهای پروین استخراج کرد. با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ برای نسل های آینده، یازده مولفه قابل توجه نظریه پردازان سبک زندگی برخاسته از فرهنگ ایرانی و اسلامی با یازده مولفه استخراج شده از دیوان اشعار

پروین اعتصامی مقایسه گردید. "توجه به قرآن و عرفان" با "خداشناسی"، "هم نشینی با بزرگان ادب و فرهنگ" با "بصیرت"، "فناعت گنج شایگان" با "فناعت"، "دنیا محل گذر و توشه ای برای آخرت" با "دل نبستن به دنیا"، "عدم سکوت در برابر ستم های ناروا" با "ظلم ستیزی"، "دوری از غرور و خودستایی" با "متانت و تواضع"، "ریا ریشه همه فسادها" با "پرهیز از ریا و تظاهر"، "دل نسپردن به متاع دنیا" با "دوری از حرص و آز"، "دوری از تن آسایی" با "کار و تلاش"، "تعلیم و تربیت" با "کسب علم و دانش"، "عشق الهی" با "عشق ماتدگار" قابل تطبیق و بهره برداری است.

نتیجه گیری

امام علی (ع) می فرماید هر ظاهری را باطنی است. آنچه ظاهرش پاکیزه بود، باطن آن نیز چنان است، آنچه ظاهرش پلید است، باطنش نیز پلید است. بدان هر کرده ای چون میوه ای است که از گیاهی رسته است و هیچ گیاه را از آب بی نیازی نیست و آب ها گونه گونه بود. آنچه آبیاری اش نیکوست، درختش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پلید است، درختش نیز پلید و میوه اش تلخ است (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، خطبه ۱۵۳ و ۱۵۴). دیوان پروین اعتصامی که ریشه در فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی دارد، هم چون باغی پر میوه است که کام هر جوینده ای را شیرین می نماید. "مردبانوی" ایران زمین، مادر فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی، رخشنده (پروین) اعتصامی با رویکرد گذشته نگری و آینده پژوهی نقش بزرگی را در یافتن هویت و جایگاه زن در ایران دارد. زنی که هر گونه حق و حقوقی از او دریغ می شد، در دوران پروین داعیه حق دارد و تشنه تحصیل علم و دانش است و هر کس به فراخور خود می تواند با استفاده از ابیات بازمانده از این شاعر هویت ایرانی و اسلامی خود را حفظ کند.

آری پروین زنی مقتدر است که با اتکا به علم و دانش، با ایمان و صلابت خود نه تنها از دنیای مردان تقلید کورکورانه نمی کند و آنها را سرکوب نمی نماید بلکه هیچ تفاوتی و هیچ مرزی بین دنیای زنان و مردان ترسیم نکرده و تنها دلیل ضعف و سرکوب زنان را در این عرصه باردیگر در برابر چشمان آنان ترسیم می کند. در پس آثار او حقیقتی بسیار شگرف و زیبا نهفته است. حقیقتی

که شان و منزلت زن و جایگاه مقدس او در تاریخ را به تصویر می کشد. او این جایگاه را چنان پاک و باارزش می داند که بار دیگر این کلام زیبای امام خمینی را خاطر نشان می سازد که سعادت و خوشبختی هر جامعه ای به زنان آن بستگی دارد و از دامن زن مرد به معراج می رود. تفکر پروین ریشه در اعتقادات و آموزه های دینی اسلامی دارد که زن را دارای مقام و منزلتی والا می داند و پیشرفت یا شکست هر جامعه ای را بسته به حضور و یا فقدان زنان انسان سازی می داند.

راهی را که پروین برای زنان، مردان و فرزندان میهنش هموار ساخت، بسیار باارزش و ستودنی است و هرگز دستخوش گذر زمان نمی گردد. در دنیای متمدن و پیشرفته امروزی که جوانان این مرز و بوم با هجوم اطلاعات و تبلیغات در پیدا کردن یک الگوی مناسب برای سبک زندگی سرگرداند، افرادی فرهیخته که اصالت و قداستشان دستخوش آفات و صدمات روزگار نگشته و نمی گردد و همواره هویت ملی و مذهبی خود را به خاطر دارند بسیار حائز اهمیت است و سزاوار آن است که برجسته گردد تا سرمایه های با ارزش یک جامعه ایرانی - اسلامی در مسیر درست تمدن اسلامی قرار گیرند که یافته های این پژوهش با پژوهش های موید (۱۳۶۸)، پناهی (۱۳۸۷)، شعبانی (۱۳۸۷)، محسنی (۱۳۸۸)، لویمی و قهفرخی (۱۳۸۹) و شریف پور (۱۳۹۳) هم خوانی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه مرعشی نجفی
۲. اعتصامی، پروین. (۱۳۸۸). دیوان پروین اعتصامی، تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا
۳. اعتصامی، پروین. (۱۳۵۵). دیوان قصائد و مثنویات و تمثیلات و مقطعات خانم پروین اعتصامی. به اهتمام ابوالفتح اعتصامی، ج ۷، تهران: چاپخانه محمد علی فردین.
۴. اعتصامی، ابوالفتح. (۱۳۵۵). مجموعه مقالات و قطعات اشعار خانم پروین اعتصامی. تهران: چاپخانه محمد علی فردین
۵. اتحادیه، منصوره. (۱۳۸۰). نقش زنان در انقلاب مشروطه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۳، ش ۱۸ ص ۱۴
۶. احمدزاده بخشایش، داود. (۱۳۹۲). پروین اعتصامی مرد بانوی شعر فارسی، نگاهی تازه به کیستی شاعر و چیستی شعرش. تهران: انتشارات ماشی
۷. افشانی، سیدعلیرضا و دیگران. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روانشناسی، سال هشتم، ش ۱۴، ص ۱۰۳-۸۳
۸. احمدی، پگاه. (۱۳۸۴). شعر زن از آغاز تا امروز. تهران: چشمه
۹. اردکانی، سید محمود. (۱۳۷۶). یادمان پروین. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۱۰. آژند، یعقوب. (۱۳۶۳). ادبیات نوین ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۱. آذرشب، معصومه؛ میرمرادی، عیسی. (۱۳۹۳). شاخصه های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه هزاره سوم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ص ۱۲-۱

۱۲. برومند، مهرداد. (۱۳۷۶). پروین ودیگر شاعران زن ایرانی در یک قرن اخیر. گردآوری در کتاب یادمان پروین. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۶-۱۵
۱۳. بختیاری، پژمان. (۱۳۴۵). دیوان بانو عالمتاج قائم مقامی (ژاله)، چاپ ابن سینا
۱۴. پناهی، مهین. (۱۳۸۷). اندیشه فلسفی در شعر پروین اعتصامی، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۶، ش ۲، ص ۸۸-۶۳
۱۵. جعفری جزئی، مسعود. (۱۳۸۶). مسیر رمانتیسیم در ایران، از مشروطه تا نینما. نشر مرکز
۱۶. خوشنویس، ناهید. (۱۳۸۹). روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، ص ۱۷-۹
۱۷. خالقی راد، یعقوب. (۱۳۶۹). پروین و قطعه سرایی او. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا. ش ۳، ص ۳۲-۲۱
۱۸. روزنامه تمدن. (۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری). مکتوبات یکی از مخدرات، سال اول، شماره ۱۲
۱۹. زبان زنان. (۱۳۰۱). مکتوب مهرتاج رخشان از گیلان، خرداد، ش ۳
۲۰. سید پورآذر، سیدحسین. (۱۳۹۲). مولفه های اخلاقی مصرف در سبک زندگی کارگزاران، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، ش ۳، ص ۶۷-۴۵
۲۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۵۹). "ماخ اولاً" راهنمای کتاب. س ۹، ش ۶
۲۲. شریف پور، عنایت الله و مرجع زاده، سعیده. (۱۳۹۳). بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه های اخلاقی وی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ششم، ش ۲۲، ص ۹۶-۶۵
۲۳. شعبانی، اکبر. (۱۳۸۷). تحلیل بنیادین شعر و شخصیت پروین، پرتال جامع علوم انسانی، دانشگاه آزاد مشهد، ش ۱۷، ص ۱۳-۱
۲۴. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه. تهران: علمی و فرهنگی
۲۵. صداقت، علیرضا. (۱۳۹۷). تربیت و تعالی. جلد ۱، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) و نشر زمزم هدایت

۲۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم و عقیقی بخشایشی، حبیبه. (۱۳۸۲). *زنان نامی در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: دفتر نشر نوید اسلام
۲۷. عبدالرحیمی، محمد. (۱۳۹۶). *سبک زندگی پلیس اسلامی ایرانی*. تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین
۲۸. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: نشر صبح صادق
۲۹. فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲). *درآمدی بر سبک زندگی اسلامی*. سال بیست و دوم، شماره ۱۸۵، ص ۳۷-۴۲
۳۰. قرآن کریم. (۱۳۷۵). *خط عثمان طه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات اسوه
۳۱. کرمی، احمد. (۱۳۷۴). *دیوان عالمتاج قائم مقامی*. تهران: انتشارات ما
۳۲. کریمی فرد، حسین. (۱۳۹۳). *سبک زندگی اسلامی با تأکید بر حماسه امام حسین (ع)*، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: دبیرخانه کنگره.
۳۳. گیسلر، نورمن. (۱۳۷۵). *فلسفه دین*. ترجمه حمیدرضا آیت الهی، تهران: نشر حکمت
۳۴. لومی، سهیلا؛ بهامیریان قهفرخی، فرخنده. (۱۳۸۹). *آموزه های قرآنی در آینه شعر پروین اعتصامی، نشریه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ*، دوره ۱، شماره ۳، ۶۷-۷۶
۳۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۴). *بحار الانوار*. جلد ۵۵ و ۷۴، تهران، اسلامیه
۳۶. موید، حشمت. (۱۳۶۸). *جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی*، پرتال جامع علوم انسانی، ش ۲، ص ۲۸-۱
۳۷. محسنی، مرتضی. (۱۳۸۸). *تحلیل شعر پروین بر اساس نظریه زیبا شناختی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی با هنر کرمان، ش ۲۵ (پیاپی ۲۲)، ص ۲۴۷-۲۲۴.
۳۸. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل*. قم: موسسه آل بیت.